

۵- خبر آمد بمهادیو که شد کشته بهار
زین خیر دیوچگان خنده بقهقاه زدند
بار دیگر خبر افتاد که زنده است بهار
ز ان تغابن نفس سرد باکراه زدند
رهزنان راه زنند از پی نان پاره وزر
لیکن این راهزنان راه پی جاه زدند

برتوای واحظ مسکین دل من سوخت. از آنک
خونیان بر تو چنان ضربت جانکاه زدند
کشته* وجه شبه گشتی واین پی بصران
بدل من رهن از جمله* اشباه زدند

۱۰- آن سگان بودند آماده آزدن ماه
عف عفی کرده وپنهان همه شب آه زدند^(۱)

وترجمتها :

- كان الحصوم أكثيرة ، أما المطالبون بتطبيق القانون فكانوا أقلية ،
وإذا قارنا بين الفريقين فإن النسبة تكون خمسة إلى خمسين .
- كنا أربعة عشر فرداً نخلق في فلك الحرية ، فأضأنا الليل وكأنا
أربعة عشر بدرأ. ۱

۱ - المرجع السابق ، ص ۳۹۹ - ۴۰۰ .